

عنوان مقاله:

رویکرد نظریه-برهانی به مفهوم پیامد منطقی، و نقد تارسکی به آن

محل انتشار:

فصلنامه پژوهش های فلسفی، دوره 18، شماره 46 (سال: 1403)

تعداد صفحات اصل مقاله: 20

نویسندگان:

حمید علایی نژاد - پژوهشگر پسادکتری، گروه فلسفه، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

مرتضی حاج حسینی - دانشیار فلسفه، گروه فلسفه، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

خلاصه مقاله:

بنابر تعریف نظریه-برهانی از مفهوم پیامد منطقی، جمله پیامد منطقی مجموعه مقدمات محسوب می شود اگر از برهانی برای وجود داشته باشد. تارسکی استدلال می کند که با افزایش هر تعداد قاعده به نظام های استنتاجی، همواره در آن نظام مواردی وجود دارد که جمله ای شهودا پیامد منطقی مجموعه ای از جملات است، درحالی که در آن نظام ارائه برهانی برای آن جمله ممکن نیست. از این رو تعریف نظریه-برهانی نمی تواند بیانگر مفهوم شهودی پیامد منطقی باشد. مقاله حاضر به بررسی نقد تارسکی به تعریف نظریه-برهانی اختصاص دارد. بر اساس بررسی ما مشخص شد که نقد تارسکی تعریف نظریه-برهانی را با مشکلی جدی مواجه می کند؛ اما این مطلب به این معنا نیست که تعریف نظریه-مدلی نسبت به تعریف نظریه-برهانی ارجحیت دارد؛ زیرا که نقدهایی قابل قبول نیز به رویکرد نظریه-مدلی وارد است. به نظر می رسد هیچ کدام از این دو رویکرد در ارائه تعریفی دقیق از مفهوم شهودی پیامد منطقی به منظور کاربرد در نظام های استنتاجی موفق نیستند. باین حال در نظام های استنتاجی مختلف می توان تقریری از هر یک از این دو رویکرد ارائه داد به گونه ای که در انسجام با سایر دیدگاه های متافیزیکی و معرفت شناختی مربوط به آن نظام بوده، و بنابر اهداف کاربردی قابل قبول باشد.

کلمات کلیدی:

مفهوم پیامد منطقی، تعریف نظریه-برهانی، تعریف نظریه-مدلی، معناشناسی نظریه-مدلی، تارسکی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1965592>

